

# چطور می توانم پدرت را ببینم؟

جشنواره سینمایی مستقل، خیلی از ستاره های سینما را به دنیا معرفی کرد

## نگاهی به کاتالوگ امسال

کاتالوگ فیلم های بلند این جشنواره به بخش رقابتی مستند آمریکا، رقابتی درام آمریکا، اولین ها، در کانون توجه، تازه ها، آینده، پارک سیتی در نیمه شب، مجموعه ساندنس، رقابتی مستند جهان و رقابتی درام جهان تقسیم شده است.

در بخش «کانون توجه» ۲۱ فیلم حضور دارند که من عشقم، گربه ماهی و تونل از جمله فیلم هایی هستند که در این بخش به نمایش در می آیند.

در بخش رقابتی مستندهای آمریکا فیلم هایی مثل بوتو، پروسترویکای من، داستان تیلمن و در انتظار سوپرمن به نمایش در می آیند. «بوتو» اثر جسیکا هرماندز و جانی اوهره درباره زندگی بی نظیر بوتو، نخست وزیر پیشین پاکستان است که در دسامبر ۲۰۰۷ کشته شد.

از دیگر مستندهای امسال این جشنواره «داستان تیلمن» اثر امیر بارلو است که درباره بازیکن فوتبال آمریکا ساخته شده است که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر داوطلبانه به ارتش آمریکا پیوست. تیلمن در سال

بر این گذاشت که این جشنواره دوباره به اصالت اصلی خودش که حمایت از فیلم های مستقل است بازگشته و تلاش می کند تا صرف کوچک بودن فیلم موجب راه یافتن آن به این جشنواره نشود. برای مثال سال پیش فیلم «زازه نشین میلیونر» در جشنواره ساندنس نمایش داده شد و با وجود این که فیلمی کوچک و کم خرج و از یک استودیوی کوچک بود، اما این استودیوی کوچک خودش از اقبال کمپانی بزرگ وارنر بود.

ردفورد با اشاره به فیلم مستند «دوربینش را خرد کن» که برای نخستین بار در بخش رقابتی امسال به نمایش در می آید و درباره فعالیت حرفه ای طولانی مدت «ران گالیلا» یکی از مشهورترین عکاسان مشهور به پایا تزی است، از خاطره ای که خود او از این عکاس داشت یاد کرد. رابرت ردفورد گفت

در حال بازی در فیلم مشهور «سه

روز کندر» بود و در استراحتی

بین دو سکانس، می دانست

که «گالیلا» بیرون کمین



رابرت ردفورد مدیر جشنواره

جشنواره فیلم ساندنس که در پارک سیتی شهر یوتا برگزار شد. این جشنواره از ۲۱ تا ۳۱ ژانویه میزبان فیلمسازان و فیلم دوستانی از سراسر جهان بود. در این جشنواره در مجموع ۱۱۳ فیلم بلند مستند و داستانی ارائه شد که از ۳۶ کشور دنیا به این جشنواره راه یافته بودند. در این میان ۴۴ اثر متعلق به فیلمسازانی بود که برای اولین بار دست به تجربه فیلمسازی زده اند. ۲۴ فیلم هم وارد بخش مسابقه شدند. این فیلم ها از میان ۳۷۲۴ فیلم انتخاب شدند که ۱۹۲۰ فیلم از آمریکا و ۱۸۰۴ فیلم بین المللی بودند. ۸۲ فیلم این جشنواره هم از مهم ترین فیلم های جهان هستند.

در این دوره ۶۰۹۲ فیلم کوتاه نیز خواستار شرکت در این جشنواره شدند که ۷۰ فیلم از این میان موفق به ورود به جشنواره شدند. فیلم های کوتاه ساندنس در ۷ بخش مستقل نمایش داده می شوند و یک هیات داورى مجزا به داوری فیلم های این بخش می پردازند. من اینجام، حصار، آخرین مشاهده های مری، رسانه جدید، شش دلار پنجاه مرد، پلاستیک و شیشه، بذره های سقوط، می توانیم صحبت کنیم؟ چه طور می توانم پدرت را ببینم؟ خرگوش شاد من از جمله فیلم های این بخش هستند.

در حقیقت جشنواره فیلم ساندنس، اولین و بهترین برای نمایش فیلم های مستقل آمریکا و جهان است که ژانویه هر سال در یوتا برگزار می شود. این جشنواره برای سازندگان فیلم مستقل یادآور خانه ای است که می توانند بازتاب هنر در تغییر جامعه را به خوبی مشاهده کنند.

## قصه از کجا شروع شد؟

جشنواره فیلم ساندنس که هر سال در ایالت یوتا آمریکا برگزار می شود، بزرگ ترین جشنواره سینمای مستقل آمریکاست. این جشنواره هر سال در ماه ژانویه در پارک سیتی، سالت لیک سیتی و اوگدن برگزار می شود و بسیاری از فیلم های کارگردان های مستقل آمریکایی و بین المللی، نخستین نمایش خود را در این سالن ها تجربه می کنند. این جشنواره دربرگیرنده فیلم های بلند داستانی از آمریکا و جهان و نیز فیلم های کوتاه در دو بخش آمریکا و جهان است. بخش غیررقابتی هم به بخش های متفاوتی تقسیم شده است.

جشنواره ساندنس کار خود را از سال ۱۹۷۸ به عنوان بخشی از جشنواره فیلم یوتا با این انگیزه شروع کرد که بتواند فیلمسازان بیشتری را به یوتا بکشاند.

این جشنواره که با مدیریت رابرت ردفورد و با جلب حمایت فرماندار ایالت یوتا بعداً به صورت مستقل شروع به کار کرد، هدف خود را به صورت بالقوه بر فیلم های مستقل بنا کرد و سعی کرد تا حضور فیلمسازان مستقل را که خارج از سیستم هالیوود کار می کردند، در یوتا افزایش دهد. در سال اول بیش از ۶۰ فیلم در این جشنواره نمایش داده شد و جایزه جشنواره که به نام «فرانک کاپرا» اهدا شده بود هم به «جیمی استوارت» تعلق گرفت.

حضور رابرت ردفورد که ساکن ایالت یوتا است و استفاده از اسم مشهور ساندنس که از فیلم مشهور او و پل نیومن با عنوان «بوچ کسیدی و ساندنس کید» گرفته شده، یکی از مهم ترین عوامل توجه به این جشنواره بود. سال پیش در این جشنواره چهلمین سال نمایش فیلم «بوچ کسیدی و ساندنس کید» جشن گرفته شد.

این جشنواره که در سال اول در ماه سپتامبر یعنی در میانه تابستان برگزار شده بود به پیشنهاد سیدنی پولاک، کارگردان مشهور از سال دوم در ژانویه برگزار شد تا هنرمندانی که از گوشه و کنار دنیا راهی این سرزمین کوهستانی می شدند بتوانند از امکانات اسکی در پیست های پر برف ایالت یوتا هم استفاده کنند.

جشنواره در سال های بعد با ایجاد انستیتو ساندنس به مدیریت رابرت ردفورد توانست راه خود را بیشتر از پیش باز کند و بعد توانست چهره های بزرگی مثل کوین اسمیت، کوئینتین تارانتینو، رابرت رودریگز، استیو سودربرگ و جیم جارموش را کشف و به دنیا معرفی کند.

از سال ۲۰۰۶ به بعد انستیتو ساندنس با همکاری آکادمی موسیقی بروکلین مجموعه ای از فیلم هایی که درباره موسیقی، نمایش و رویدادهای مهم هنری بود را هم وارد این جشنواره کرد.

## اهمیت فیلم مستند

رابرت ردفورد ۷۳ ساله در مراسم افتتاحیه امسال همه تاکیدش را



۲۰۰۴ به صورت تصادفی در افغانستان کشته شد و این فیلم درباره خانواده سربازهایی است که در جستجوی حقیقت علت مرگ فرزندان شان هستند. مستند مهم دیگر امسال «رسترو» اثر سباستین جانگر است که درباره سربازانی ساخته شده که از دره ای در افغانستان محافظت می کنند.

در بخش رقابتی درام آمریکا ۱۶ فیلم به نمایش در می آید که سرزمین خشک، شب ما را می گیرد، استخوان های زمستان از آن جمله اند. «زوزه» هم از جمله فیلم های این بخش است. در این فیلم نشان داده می شود که چگونه شعر «زوزه» اثر آلن گینزبرگ که موضوع آن زندگی روزمره دو مرد جوان در دوران پس از جنگ جهانی در آمریکاست، از نظر بعضی ها مبتذل تشخیص داده شد و چگونه ناشر آن طی دادگاهی در سال ۱۹۵۷ محکوم شد. گینزبرگ شاعر و فعال سیاسی بود، در مخالفت علیه جنگ ویتنام نقش بسیار فعالی داشت. کارگردان این فیلم با درهم آمیختن عناصر فیلم های مستند و سینمایی و استفاده از انیمیشن برای تصویر کردن شعر عربده، فیلم های بیوگرافی معیار را به چالش می کشد و نشان می دهد که برای روایت چنین فیلم هایی راه زیادی وجود دارد. این فیلم اول به عنوان فیلم مستند ساخته شد و بعد توسط راب اپستاین و جفری فریدمن به فیلم سینمایی تبدیل شده است. در این فیلم «جیمز فرانکو» در نقش آلن گینزبرگ و «جان هام» در نقش جیم اولریش بازی کرده اند.

مترجم: آرزو پناهی

منبع: سایت اندساند

کرده تا عکس های جدیدی از او بگیرد. او به سرعت فکر کرد و تصمیم گرفت تا از شر این عکاس بی پروا خلاص شود. پس بدش را بیرون فرستاد و گفت تا در یک اتومبیل منتظر بنشیند و بعد خودش در حالی که یک سبیل مصنوعی و کلاه گیس هم گذاشته بود، بی سرو صدا از کاراوان خارج شد و محل فیلمبرداری را ترک کرد. این در حالی بود که گالیلا بیرون با حرارت تمام کارهای بدل ردفورد را زیر نظر گرفته بود و منتظر بود او حرکت کند تا بتواند تعقیبش کند و از ملاقات هایش عکس بگیرد.

ردفورد در ادامه خاطره اش گفت من سالانه به کافه کوچک پشت محل فیلمبرداری رفته و از همانجا بود که شنیدم یکی دارد بلند بلند به من بد و بیراه می گوید. او گالیلا بود که تازه متوجه شده بود در این مدت بدل مرا زیر نظر داشت و تصور نمی کرد من آنقدر نزدیک باشم. او گفت دیدگاه اصلی اش به این جشنواره به عنوان مکانی برای فیلمسازان مستند است و او فکر می کند که فیلم های مستند در ۱۰ سال آینده به جایگاهی می رسند که جای خالی خبرهای رسانه ای را پر می کنند.

در روز افتتاحیه دو فیلم به نمایش درآمد. اولین فیلم یک فیلم زندگی نگارانه به نام «زوزه» بود که درباره «آلن گینزبرگ» شاعر مشهور آمریکایی است. «زوزه» اسم یک شعر کلاسیک و مشهور سروده آلن گینزبرگ، شاعر نسل «بیت» است. بعد از آن هم یک فیلم مستند جنگی به نام «رسترو» به نمایش درآمد که نشان داد مدیران این جشنواره به فیلمسازی شورشگرانه و پرخطر اهمیت می دهند.